

کرامت و فضیلت بانوی بانوان

... شاید انسان‌ها در گذشته نیاز داشتند که برای پذیرش حقانیت اولیای خداوند و پذیرش پیام آنان، نشانه‌هایی محسوس ببینند و بشنوند (معجزه در مورد پیامبران) و کرامت (در مورد اوصیا و جانشینان آنان) مشاهده کنند. مثل جاری کردن آب از دل سنگ یا شکافتن ماه و امثال این چیزها، ولی قرار نیست انسان فهیم و آگاه امروز، فضیلت و کرامت اولیای خدا را در این حوزه‌ها جست‌وجو کند.

زندگی خاندان رسالت و اهل بیت پیامبر (ص)، سراسر از نمونه‌ها و شواهدی حکایت می‌کند که هر یک به تنهایی برای اثبات حقانیتشان کافی است و با ذکر آن‌ها، دیگر نیازی نداریم که مثلا امیرمؤمنان با زدها سخن بگوید یا در خیبر را از جابکند تا به جایگاه والای او ایمان بیاوریم.

او در موقعیت حاکم مقتدر جامعه اسلامی به شکایت یک شهروند یهودی در دادگاهی حاضر می‌شود که خود، قاضی‌اش را منصوب کرده است و در برابر شاکي محکوم می‌شود. آیا همین یک نشانه، برای عظمت علی (ع) کافی نیست؟ چه کسی جز او می‌تواند چنین درخشش تابناکی داشته باشد؟ آیا تک‌تک عبارات نهج‌البلاغه برای اثبات حقانیت و عظمت او کافی نیست؟ حال با چنین عظمتی، آیا حتما باید او مثلا به زبان حیوانات سخن بگوید تا ما آن را کرامت و شگفتی به‌شمار آوریم؟ این چیزها که از مرغان هندی هم دیده شده و نمونه‌های فراوان نقل گردیده است.

آنچه در احوال اولیای خدا شگفت است، عظمت بندگی آنان است در مقامی که هیچ بشری پیش از آن به آن نرسیده است و به قول خواجیه عبدالانصاری، آن مقام والست که فرمود: «گر بر آب روی خسی باشی و گر در هوا پری مگسی باشی، بندگی کن تا کسی باشی»

دختر جوان پیامبر (ص) که ثمره زندگی و جان شیرینش بود و برای او بوی بهشت داشت و سیمایش، آسمان عرش الهی را یادآوری می‌کرد، با دست خود آسیاب سنگی می‌گرداند، چنان که در دست‌ها نازنینش مجروح می‌شد، در حالی که پدرش سلطان جهان بود.

این فضیلت بالاتر است یا اینکه مثلا او از امری پنهان خیر دهد یا بیماری به دست او شفا یابد؟

در شب ازدواجش با زنی نیازمند روبه‌رو می‌شود و لباس عروسی خود را به او می‌بخشد، راستی عظمت بخشش آن عروس جوان، از کارهای شعبده‌بازان کمتر است؟

سه روز با همسر و فرزندان خردسال، روزه گرفته و هر سه روز افطار مختصرش را به این و آن بخشیده است؛ یک شب به گدایی گرسنه، شبی به اسیری گرفتار و شب سوم به تیمی آواره.

سه شب بیایی روزه را با آب خالی افطار کردن و گرسنه ماندن، فضیلت و کرامت نیست، در حالی که همسرش، بیشترین درآمد را از کار خود دارد و همه را به فقیران می‌بخشد؟

شب تا صبح در مناجات و عبادت، دعا می‌کند و به فکر مشکلات مردم و گرفتاری همسایگان است و به فرزند پرسنگر خود می‌گوید که نیاز انسان را بر حاجت خود ترجیح می‌دهد، راستی این فضیلت، مهم‌تر و عجیب‌تر است یا اینکه مثلا فرشتگان برای او هدیه‌ای از آسمان بیاورند؟ وقتی زنی جوان در مجلس درس او

حدیث روز

خداوند آفریده‌ای بهتر از محمد (ص) نیافریده است.

(امام علی ع)

رطوبت هوا: ۲۹٪	دما: ۱۹°
صبح: ۲°	ظهر: ۱۷°
عصر: ۱۱°	شب: ۶°
اذان ظهر: ۱۱:۴۱	نیمه شب شرعی: ۲۲:۵۶
غروب آفتاب: ۱۶:۳۸	اذان صبح فردا: ۵:۱۳
اذان مغرب: ۱۶:۵۹	طلوع آفتاب فردا: ۶:۴۲

روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

۵شنبه

۲۵ ۱۰ ۹۹

۴۸ صفحه ۲۳ صفحه ۴۰ صفحه ورزشی

۴۴ صفحه شهرامحله ۸+ صفحه ۷شنبه

شماره ۳۳۰۱ | ۱۰۰۰ تومان

میشاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir

خاموشی‌های چراغ خاموش

مهرماه ۱۳۳۱

میدان

دقت مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱

نماینر: ۳۷۲۳۳۳۱۰

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹

شهر چاپ: خراسان



- روزنامه فرهنگی - اجتماعی - اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهید، نیش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱
- نماینر: ۳۷۲۳۳۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

سوالی پوشیده در خط‌های مخملین

امیرمتصور رحیمیان | راه‌ورسم زندگی هر انسانی با بقیه فرق می‌کند و مخصوص به خودش است. ممکن است آدم‌ها در مواجهه با اتفاقات به‌خصوص وقایع جمعی یا دیدن یک فیلم و تصویر یکسان، یک واکنش از خودشان بروز دهند و یک نتیجه دستگیرشان بشود. ولی شدت و حدت تأثیرپذیری از آن جریان با اتفاق، کم و زیاد است و تهنش، برداشت آدم‌ها با هم خرده‌تفاوت‌هایی دارد، برای همین است که در بیشتر مواقع، اختلاف‌نظر و سلیقه پیش می‌آید. همین اختلاف سلیقه و فکر، خودش منشأ خیلی از آثار هنری ارزشمند و پر‌قیمت در زمینه هنرهای تجسمی و موسیقی است. هنرمندانی که آثارشان را بدون توضیح و بدون شرح مختصر و حتی بدون اسم ارائه می‌کنند، می‌خواهند از تفاوت برداشت آدم‌ها استفاده و ارزش اثر را افزون کنند. اینکه هنرمندی حتی اسم روی کارش نمی‌گذارد، یعنی نمی‌خواهد فکر ببینند یا مخاطب اثرش را کوچک‌ترین جهتی بدهد و به اصطلاح فکر قری برایش تعیین کند. همین اختلاف‌نظرها و تفاوت دیدگاه‌ها برای هنرمندی که صاحب اندیشه باشد، الهام‌بخش و تأثیرگذار است. اثری که در نوشتن خیلی سخت و گاهی می‌شود گفت غیرممکن است. در نوشته،



پیانویی شکل کتاب که جلش به شکل در پیانو و باز شده است. در صفحات اول کتابی که او تصویر کرده، نت نوشته شده است و این صفحه‌ها تا جایی ادامه دارد که کلیدهای پیانو جایشان را گرفته است. کسی در تصویر نیست و فقط یک عینک روی صندلی قرار دارد. می‌شود دلیپونته، نقاش و کارتون‌بست ایتالیایی، دیدن هنر و اصرار در درک دانایی، باعث می‌شود که چشمه‌های روحش، جوشان شود. فانوسی در دل آدم روشن می‌شود که نور خرد از چشم‌هایش بیرون می‌ریزد و کسی که تا دیروز مخاطب دیگران بوده، الان تبدیل به یک خطیب شده است. «این توضیحات تا اینجا بسنده می‌کند. همان‌طور که طبق قاعده قبلی عرض کردم، موسیقی و نقاشی، توانا‌تر از نوشتن هستند ولی در این اثر هر سه باهم و در یک هماهنگی از نظر وزن و معنی آمده‌اند. البته هنرمندی مثل دلیپونته این توان را دارد که ذهن آدم را به چالش بکشد و او را عمیقا به فکر فروبرد. برای ثابت کردنش هم به چند نکته دیگر اشاره می‌کنم؛ همان‌طور که کتاب نشانگر دارد، پیانو هم پدال دارد. این عناصر به‌ظاهر اضافی در تصویر چه می‌کنند؟ آدمی که در تصویر می‌توانست باشد، کجاست؟ وزن عناصر چطور تقسیم شده است؟ چرا صفحات بعد از نت سفید است و چرا نشانگر، بین صفحات سفید قرار دارد؟ به این حالت‌ها دقت کنید و لطفا پاسخ‌هایتان را برایمان بفرستید.

تاریخنگار

تأکید مصدق بر حاکمیت ملی و مالکیت منابع عمومی

لوی هندرسون، سفیر وقت آمریکا در ایران، ۲۵ دی ۱۳۳۱ (۱۵ ژانویه ۱۹۵۳) پیشرفته تازه انگلستان برای حل مسئله نفت ایران را به دکتر مصدق، رئیس دولت، تسلیم کرد و این دو در این زمینه هفت ساعت با هم گفت‌وگو کردند. این مذاکرات در خانه دکتر مصدق در خیابان کاخ خیابان فلسطین (امروز) انجام شد. در این مذاکرات، دکتر مصدق پیشنهاد تازه را مغایر با حاکمیت ملی و اصل کنترل ثروت عمومی هر کشور مستقل خواند و نظر خود را اعلام کرد. در حالی که هنوز از بستر بیماری برخاسته بود، هفت ساعت تمام با سفیر آمریکا به میان‌جیگری نزد او رفته بود، مذاکره کرد. ۳۵ روز بعد (یکم اسفند) هندرسون پیشنهاد تازه انگلستان را که با

به منظور حمایت از فضای کسب و کار و رونق صنعت ساختمان

۲۴٪ تخفیف

بهای خدمات و عوارض شهرداری مشهد

از ۲۲ دی تا ۲۲ بهمن

برای اطلاعات بیشتر **۱۳۷** پاسخگوی شماست

avarez.mashhad.ir

پرداخت الکترونیکی عوارض

- عوارض صدور پروانه و پایانکار ساختمانی
- عوارض خودرو و کسب و پیشه
- عوارض توسعه خطوط قطار شهری
- عوارض نوسازی (بهای خدمات پسماند و آتش نشانی)

ماجرای شگفت دو «ب»

غلامرضا بنی اسدی

با یک شایعه می‌توان اعتماد جامعه را به آتش کشید. می‌شود سرمایه اجتماعی یک سازمان، یک طرح، یک پویش و حتی یک کشور را نابود کرد. دریغا که شایعه به چنان سرعتی منتشر می‌شود که اخبار صادق هرگز به‌گرد پایش هم نمی‌رسد و پویش‌ها در فضایی چنین در همان قدم‌های اول ناکام می‌مانند!

این واقعیت تلخ را هر کدام ما با تجربه کرده ایم و آخرین بار برای من همین دوازده پیش اتفاق افتاد که وقتی به بنده خدایی گفتم لطفا لامپ اضافی را خاموش کن، به جای اینکه دست روی کلید بگذارد و با فشاری اندک، هم به گفته من احترام بگذارد و هم به کاهش مصرف کمک کند، بی‌آنکه به دستش اندک زحمتی بدهد، زایش را به کار انداخت که وقتی فلان و فلان دارند از برق «بیت کوین» تولید می‌کنند، چرا من باید لامپ را خاموش کنم؟ به جای فلان و فلان و فلان هم اسم نهاد و سازمان و حتی اشخاص گذاشته بود. هیچ توضیحی را هم قبول نمی‌کرد. من گفتم که از «بیت کوین» و نحوه تولیدش اطلاعی ندارم، اما فلان و فلان و فلانی که نام بردی را می‌شناسم و می‌توانم به جرئت بگویم که در چنین کاری وارد نمی‌شوند، حتی اگر همه برق‌های جهان را به رایگان در اختیار داشته باشند، چه رسد به اینکه در شرایط «مازوت‌سوزان» که بهار تولید برق را الودگی هوا می‌دهد، بخواهند چنین کاری بکنند. او نپذیرفت. دیگران هم متاسفانه - خیلی کم می‌پذیرند اما شایعه او را هم می‌پذیرند و هم نشر می‌دهند. این یعنی حاکمان خوش نیست و روزگار اعتماد عمومی از حال ما هم ناخوش‌تر است. کاری باید بکنند مسئولان تا اعتماد، ترمیم شود. کاری بکنیم ما مردم تا با افزایش سواد رسانه‌ای، هر شایعه‌ای لباس خیر نپوشد و از آموزش جامعه را برهم نزند. این را هم از باباقرنی سال‌های نه‌چندان دور به یاد آوریم که: «هرگز نشه فراموش / لامپ اضافی خاموش!»

زین قندپار

علیرضا حیدری | مدرس و ویراستاری

- **ناوبراسته**
- رئیس جمهور در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت: مسائل کلان و راهبردی کشور می‌بایست به دور از تنش و رفتارهای سیاست‌زده در فضای آرام و منطقی، تدبیر و برنامه‌ریزی شود.
- **ویراسته**
- رئیس جمهور در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت: مسائل کلان و راهبردی کشور باید به دور از تنش و رفتارهای سیاست‌زده در فضای آرام و منطقی، تدبیر و برنامه‌ریزی شود.

اینکه کجا «باید» و «نباید» و کجا «بایست» و «نبایست» به کار ببریم، به زمان فعل و جمله بستگی دارد. «باید» و «نباید» برای زمان حال و «بایست» و «نبایست» برای زمان گذشته به کار می‌رود.

#زین.قندپاری